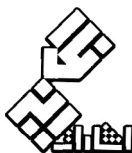


به نام یکانه فرمان

تصویر بی نهایت م را ترسیم کن



آشادات نگارینه

۱۳۸۳ تهران

خاوری نژاد، محمد صادق، ۱۳۴۰- تصویر بی نهایتم را ترسیم کن /
شاعر محمد صادق خاوری نژاد. — تهران: نگارینه، ۱۳۸۳.
۹۶ ص.: مصور.

ISBN: 964-7533-56-X ۸۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
فارسی - انگلیسی.

الف. عنوان ۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴.

ت ۷۷ الف / PIR ۸۰ ۴۰ / ۸۱۶۱ / ۶۲

ت ۲۸۹ خ ۱۳۸۳

م ۲۳۹۲۵-۸۳ م ۱۳۸۳ کتابخانه ملی ایران



انتشارات نگارینه

نام کتاب: تصویر بی نهایت، را ترسیم کن
 شاعر: محمد صادق خاوری نژاد
 تصویر ساز: نسیم چیت ساز
 صفحه آرای: انتشارات نگارینه
 مدیر هنری: منصور جام شیر
 چاپ نخست: ۱۳۸۳ تهران
 شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
 شابک: ۹۶۴-۷۵۳۳-۵۶-X
 بها: ۴۰۰۰ تومان



9 789647 533560
حق چاپ محفوظ است
www.negarineh.com

به نام خدا

هر واحد نشری در قبال گسترش و بالا بردن فرهنگ مسئول است و در این راستا موظف است تا در نشر آثار مفید برای جامعه بکوشد. هنگامی که عنوان این کتاب برای نشر پیشنهاد شد، پیش از مطالعه به تصور این که مطالب آن احساسات شخصی در لفافه لطیف شعر باشد، تمایل زیادی به انتشار آن نداشتم ولی پس از مطالعه، متوجه شدم این شعرها با شعرهای دیگر تفاوت به سزایی دارد و به نوعی روان‌شناسانه با مشکلات آدمی برخورد کرده و می‌کوشد با داروی کلام از درد و رنج‌های روحی او بکاهد. ارزش این تلاش هنگامی آشکار می‌شود که در این دوران از زندگی، گذشت زمان فرصت‌ها را ربوده، مهر و دوستی فراموش کرده و ما را در میان جمع آدم‌های دیگر تنها گذاشته به طوری که در ایجاد ارتباط دچار مشکل شده‌ایم. آدمی، این موجود اجتماعی، هنگامی که نتواند احساسات و عواطف خود را باز گو کند با همه حتی با خود نیز دچار مشکل می‌شود. در این کتاب شعرها با برخوردی لطیف آدمی را به سوی مهرورزی می‌کشاند و با زبانی خاموش ما را به گفتن و شنیدن از همدیگر وا می‌دارد و ما را به سوی زندگی اجتماعی که ارتباطی حیاتی است رهنمون می‌کند.

هم‌چنین در این کتاب شعرها به زبان انگلیسی نیز بیان شده، تا بتواند با دوستان و مخاطبان بیشتری ارتباط برقرار نماید. به هر حال امیدوارم با نشر این کتاب گامی در جهت معرفی آثار مفید برداشته باشیم، و کتاب مورد پذیرش و توجه مردم محترم و فرهنگ دوست قرار گیرد.

انتشارات نگارینه

برج‌ها، باروها، حصارها
و جنگجو در صدد ورود به قلعه سعادت جاویدان
با تیری پوسیده در کمانی فرسوده
باشد که کوکویی راه بنمایدش

پیش‌گفتار

زیباترین سروده‌ها آنی است که از دل تراوش می‌شود و بر لب جاری. شاید از این دست نغمه‌ها را باید سخن گفت تا از شدت آنچه که مبهم است کاسته شود. اما همواره رنجی که این همه تراوشات از آن حاصل می‌گردد، آنچنان بزرگ، با ارزش و رازآلود است که با هیچ شادی جاری و روزمره‌ای قابل قیاس نیست. درگیر و دار میدانی این چنین متناقض و سخت حزن‌ی در بطن هر هستی متولد می‌شود که انتهایش روشنایی است. انسان در این تناقض آشکار و در عرصه‌ای به وسعت چرخه باطل روزگار خویش راهی جز این ندارد که چون مرغان وحشی آزادی را برگزیند هر چند که دانه‌های بیابانی همواره از دانه‌های قفس سخت‌تر به دست می‌آیند. رجعت به نقطه عطف و دوران شکوه با آزمون‌های متفاوتی همراه است. این آزمون‌ها در ارتباط با آموزه‌های شخص، گاه آنچنان دشوار است که تنها باید آن را بدون گله و شکوه پذیرفت و بدان عمل کرد بهترین طریقه نیز خندیدن به شرایط موجود است. و اما سخن آخر که در نهایت شروع این راه بی‌پایان است. پیوند خوردن و سر سپردن به آنی است که همه چیز از آن حادث می‌شود. انسان باید خیلی خوش شانس باشد که در عرصه مبارزه طولانی با خویشتن برگزیده شود. بسیار سعادت‌مند که ادامه دهد و آن چنان غیر قابل تصور که به پیروزی برسد.

نمی توانم ای دوست
 و میسرم نمی شود
 که دچار غیر تو شوم
 برای فرار از بیگانه ای که
 آرامش می خوانمش
 به تو روی می آورم
 باز هم بپذیر

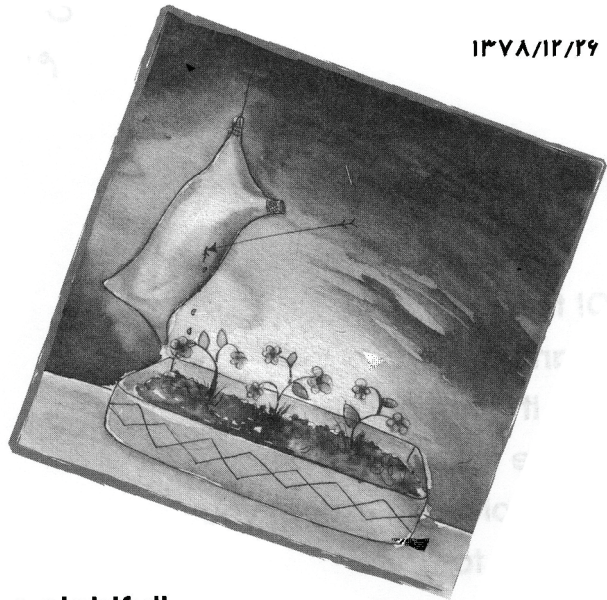
۱۳۷۵/۷/۲۹

O! friend
 I can't
 and it is not possible
 for me that
 I'm involved in except you
 in order to
 escape from stranger
 that I say to it
 tranquillity
 I come toward you
 accept too

(21 Oct 2001)

شبا هنگام نشانه‌ام گرفتی
و به تیر هدف‌زدی
پیدایی‌ام بهمان میزان دشوار بود
که غارت‌م بدست تو آسان

۱۳۷۸/۱۲/۲۶



You aimed me nightfall
and shot by your target arrow
my visiblensess was difficult
as measur as easiness of my plunder
by you

(17 Mar 2000)